



دعای مسموع یا

قسمت سوم

دعای مستجاب

قوله:

«...واسمع دعائی اذا دعوتک واسمع ندائی اذا نادیتک واقبل علی اذا ناجیتک»:

«خداوند... بشنو دعایم را هنگامی که ترا میخوانم و بشنو فریادم را هنگامی که ترا بفریاد میخوانم و بمن التفاتی فرما هنگامی که به پنهانی راز و نیازم را برتومی گشایم».

اصرار در شنیدن دعا

فقره‌ای است که در انگیزختن سؤال، ستایش انگیز است، چه برای صاحب‌دلان جوینده همچون عقربه‌ای است بسوی ژرفای زلال معرفت، زیرا این فقره از دعای شریف بخوبی دلالت میکند که نیایشگر و داعی، مصراً از خداوند متعال میخواهد که دعاء و نداء و مناجاتش را بشنود و به وی عنایت و التفات نماید، و این چنین خواستنی مشعر بر این است که دعا کننده ذوالعباد بالله - بمعنای «سمیع بودن» خداوند متعال آگاهی لازم ندارد، در صورتی که سمیع بودن خداوند عزوجل از ضروریات دین مبین اسلام است، و تعبیر «سمیع» در قرآن مجید مکرراً آمده است و خداوند متعال را به این صفت بدون هیچ قیدی ستوده است و اینکه حضرت خلیل الرحمن علیه السلام و زکریای نبی علی نبینا وآله وعلیه السلام «سمیع الدعاء» تعبیر کرده‌اند بمقتضای حال و مقام که حال و مقام دعاء بوده تقیید گردیده نه آنکه وصف «سمیع» بالذات مقید و محدود باشد، بلکه همه موجودات اعم از مادی و مجرد در حیطه حضرت سمع خداوند سمیع قرار دارند و جملگی، مسموعات حضرت سمیع می‌باشند، زیرا در منطق قرآن عظیم همه موجودات بدون استثناء، کلمات الله‌اند:

فقره اول دعاء برای صاحب‌دلان عقربه‌ای است بسوی ژرفای زلال معرفت * چرا خزان علم الله با الحاح و اصرار از خداوند متعال می‌خواهند که دعایشان را بشنود؟ آیا - والعیاذ بالله - به سمیع بودن خدای عزوجل آگاهی لازم نداشتند؟ * مگر همه موجودات، مسموعات حق تعالی نیستند؟ * نقل بند ۹۹ از دعاء جوشن کبیر * روایت: «ان الله تعالی عند لسان کل قائل» حدیثی بعید العوزو بدیع الاسلوب در صفات ذاتیه خدای سبحان * توضیح اجمالی حدیث * فرق بین آنصاف باری تعالی به این صفات حقیقیه ذات الاضافه و بین آنصاف ما به این صفات * رابطه و اضافه در آنصاف خدای عزوجل به این صفات، رابطه و اضافه قیومی است، و در آنصاف ما به این صفات، رابطه و اضافه مقولی است * مدلول حدیث شریف این است که دعاء و داعی جملگی قائم بقیوم مطلقند * جمله «با من قرب من خطرات الظنون» دعای صباح گویای قرب قیومی خداوند متعال است * اجابت دعای شهداء حریم کعبه در ذیحجه امسال * دعائی که در قنوت نماز عید فطر خواندند: «ادخلنی فی کل خیر ادخلت فیہ محمداً وآل محمد» در ششم ذیحجه الحرام مستجاب شد.

«وَلَوْ أَنَّ مَاءَ الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَلَامٍ وَالْبَحْرِ تَمْدُّهُ مِنْ بُعْدِهِ سَبْعَةَ أَمْخِرَامٍ نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ» (سوره لقمان آیه ۲۷).

و بآن حیثیتی که کلمات الله اند، مسموعات حضرت حقتعالی می باشند، همانطور که همه موجودات معلومات خداوند متعالیند، و سمع و علم واجب الوجود، محیط بر همه اشیاء از خرد و کلان است.

و در احادیث و ادعیه وارده از معصومین علیهم السلام، توصیف خداوند متعال بصفه «سمع» با صیغه های مختلف -الی ماشاء الله- آمده است و از دقیقترین تعبیرات در این باره بند نمودنهم از دعاء شریف جوشن کبیر است که عرض میکند:

«بِأَمِّنٍ لَا يَشْفَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ، بِأَمِّنٍ لَا يَمْنَعُهُ فِعْلٌ عَنْ فِعْلٍ، بِأَمِّنٍ لَا يَلْبِثُهُ قَوْلٌ عَنْ قَوْلٍ، بِأَمِّنٍ لَا يَغْلُظُهُ سَوْأَلٌ عَنْ سَوْأَلٍ، بِأَمِّنٍ لَا يَحْجِبُهُ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ، بِأَمِّنٍ لَا يَبْرَهُهُ الْحَاحُ الْمَلْحِينُ...»:

ای آنکه هیچ مسمومی و شنیدنی، ترا از مسموع و شنیدنی دیگر، مشغول نمی سازد، ای آنکه هیچ کاری ترا از کار دیگر منع نمی کند، ای آنکه هیچ گفتاری ترا از گفتار دیگر غافل نمی سازد، ای آنکه هیچ سؤالی ترا از سؤال دیگر به اشتباه نمی اندازد، ای آنکه هیچ چیزی ترا از چیز دیگر محجوب نمی نماید، ای آنکه اصرار و پافشاری بندگان ترا نمی رنجاند...

و از رسول الله صلی الله علیه و آله، روایت شده که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى عِنْدَ لِسَانِ كُلِّ قَائِلٍ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدًا وَلْيَنْظُرْ مَا يَقُولُ» (فمن التذیج ۲ ص ۲۴۰ رقم الحدیث ۱۷۵۰):

خداوند متعال نزد زبان هر گوینده ای حاضر است، پس باید عبد خداوند متعال، حضرتش را مراعات کند و دقت در گفتار خویش نماید و حفظ حضور کند.

و باتوجه به اینکه این دعاء شریف از عترت کبیره صلوات الله علیهم بدست ما رسیده و آن بزرگواران برخواندن این دعاء مداومت داشتند، و آنان خزان علم الله می باشند، این سؤال بپذیرد می آید: اصرار و الحاح که خداوند متعال دعاء و راز و نیازشان را بشنود یعنی چه؟

با بیان آن پیشوایان بوده که پایه شناخت خداوند متعال مستحکم گردید و آن بزرگواران بودند که صفات و نعوت واجب تعالی را با اسلوب بدیعی تبیین فرمودند که اصحاب برهان از گفتار آنان، در بسیاری از مسائل ربوبی، مبادی براهین را استنباط کردند و اهل عرفان از آن بیانات بطن خود رونق بخشیده، و موازیستی برای صحت مکاشفات خویش قرار دادند و برای نمونه روایتی که در ارتباط با مسئله ما (سمیع بودن خداوند متعال) است نقل می کنم که در تبیین

صفات حقتعالی بیانی است اعجاب انگیز و اسلوبی است بدیع:

سمیع بودن خداوند

امام المحدثین کلینی علیه الرحمه در اصول کافی از ابویسیر نقل می کند که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام میفرمودند:

«لَمْ يَزَلِ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ رَسَاءً، وَالْعِلْمُ ذَاتَهُ وَالْمَعْلُومُ وَالسَّمْعُ ذَاتَهُ وَالْمَسْمُوعُ، وَالْبَصْرُ ذَاتَهُ وَالْمُبْصَرُ، وَالْقُدْرَةُ ذَاتَهُ وَالْمَقْدُورُ فَلَمَّا أَحْدَثَ الْأَشْيَاءَ وَكَانَ الْمَعْلُومُ، وَفَعَّ الْعِلْمُ مِنْهُ عَلَى الْمَعْلُومِ وَالسَّمْعُ عَلَى الْمَسْمُوعِ، وَالْبَصْرُ عَلَى الْمُبْصَرِ، وَالْقُدْرَةُ عَلَى الْمَقْدُورِ...» (ج ۱، باب صفات الذات ص ۱۰۷ رقم الحدیث ۵۱):

خدای عزوجل پروردگارمان، همواره بوده و علم ذات او بود در صورتی که هیچ معلومی نبوده، و سمع ذاتش بوده و هیچ مسمومی نبوده، و بصر ذاتش بوده و هیچ مبصری نبوده، و قدرت ذاتش بوده و هیچ مقدوری نبوده، پس هنگامی که اشیاء را آفرید و معلوم، وجود یافت، از بارش تعالی علم بر معلوم و سمع بر مسموع و بصر بر مبصر و قدرت بر مقدر واقع شد...

توضیح اجمالی مضمون روایت شریفه این است که: این صفات چهارگانه «علم و سمع و بصر و قدرت» از صفات ذاتیه حضرت واجب تعالی و عین ذات مقدس او است، چنانکه مدلول صریح روایت است، و اصحاب برهان این اوصاف را صفات حقیقیه ذات الاضافه می نامند که شرح آن موقوف به مراجعه به محل مربوط است.

اتصاف به صفات حقیقیه ذات الاضافه

این صفات چهارگانه ذات الاضافه را ما نیز واجدیم، اما چگونگی اتصاف ما به این صفات، با اتصاف خداوند متعال به این صفات، متفاوت است، زیرا در اتصاف ما به این صفات ذات الاضافه، مضاف ایها دخالت دارند، مثلاً: حادثه جمعه خونین مکه معظمه و کشتار صدها نفر از حجاج ایرانی و غیر ایرانی را بدست آل سعود در حین تظاهرات برانته از مشرکین در روز ششم ذیحجه الحرام امسال ۱۴۰۷ هجری قمری، همه ما شنیدیم و این حادثه خونین مسموع ما گردید و ما از رسانه های کشورهای جهان و اشخاصی که شاهد و ناظر حادثه بوده و خود مجروح و مضروب شده بودند. آن ماجرای رسوا و اسف انگیز را که آل سعود با آن روی ابن سعد را سفید کردند، استماع نمودیم، پس ما نسبت به این حادثه دارای وصف شنیدن می باشیم و سامع و شنونده این حادثه هستیم و این حادثه مسموع ما است.

بدیهی است که در اتصاف به استماع این حادثه و بعبارتی: در

وصف «سامع بودن» نسبت به این فاجعه، وجود خبرهای مربوط به آن دخیل است، پس وصف «سمیع بودن» در ما بنحوی متوقف بر امور خارج از ما است و بدین متوال است، صفات دیگر یعنی علم و بصر و قدرت.

و اما اتصاف حضرت باری تعالی به این صفات، بگونه ای که در ما صورت می پذیرد نیست؛ مثلاً اتصاف حضرتش بصفت «سمع» در مرتبه ذات، بدینگونه نیست که امور بیرون از ذات مقدمش در این اتصاف دخیل باشند، و اگر چه صفت «سمع» از صفات حقیقیه ذات الاضافه است ولی مضاف بودن سمع و سایر صفات درباره حقتعالی بمعنای دیگری غیرمعنای مضاف مقولی است، که مصب روایت شریفه، تعلیم آن نوع اضافه است که می شنوید:

صریح روایت این است که ذات متعالیه، عین سمع است بدون دخالت هیچ مسموعی در این نعت و وصف. آنگاه می فرماید: با ایجاد اشیاء، از خدای عزوجل، سمع بر مسموع واقع شد. باتوجه به اینکه احوادث و ایجاد اشیاء، عین وجود آنها است یعنی وجود دادن و وجود یافتن، همان عین وجود معلول است. باتوجه به آنچه که قبلاً گفتیم که موجودات در منطق قرآن کریم، کلمات الله اند و به این لحاظ جملهگی، مسموعات حضرت واجب الوجودند. معنای وقوع سمع از باری تعالی بر مسموع که در روایت آمده روشن می شود یعنی رابطه بین سمع ذاتی و بین اشیاء با احوادث و ایجاد صورت می پذیرد که در واقع، عین ایجاد است و همه موجودات قائم بدانند و در منطق قرآن از این رابطه و اضافه به «القیوم» تعبیر شده است: «الله لا اله الا هو الحي القيوم» (سوره بقره - آیه ۲۵۵).

نتیجه آنکه اتصاف خدای عزوجل به این صفات، برخلاف اتصاف ما به این صفات است، زیرا آن ذات اقدس، پدیدآور همه معلومات و مسموعات و مبصرات و مقننات امکانی است و جملهگی تجلی و پرثوی از حسن ازلی آن حضرتند، و رابطه و اضافه آن ذات واهب العطايا به اعیان و اشیاء، رابطه و اضافه قیومی است که لزوماً بر همه موجودات که مستقوم بآنند، تقدم بالذات دارد و این رابطه و اضافه است که کسوت مسموعیت و صفات کمالیه دیگر براندام همه حقائق ممکنه پوشانیده و بمضاف الیهها وجود و کمالات وجودی ارزانی داشته است.

ولی اتصاف ما به این صفات، بنحوی مرهون سبق وجود اعیان ممکنه و متأخر از آنها است؛ مثلاً رابطه و اضافه ای که بین سامع و مسموع، ادراک می کنیم همانا رابطه و اضافه ای است که یکی از

مقولات نه گانه عرضیه است که بعد از ادراک وجود طرفین اضافه، مورد انتزاع ما میگردد و سپس طرفین بوصف متضایفین، متصف می شوند.

پس اضافه قیومی، مقوم مضاف الیهها و بخشاینده هستی و کمالات هستی بآنها است و اضافه مقولی متأخر از اصل وجود متضایفین است و وجود متضایفین است که منشاء انتزاع تضایف و نهایتاً متضایفان بهمین وصف انتزاعی متصف میگردند.

باری! این روایت روشن می کند که دعاء و نداء و مناجات و دعاکننده و متادی و مناجی، جملهگی قائم بحضرت قیوم سبحانه هستند، و لزوماً رتبه قیومیت حضرت آفریدگاری - تعالت اسماؤه - بر همه سبق بالذات دارد، و همه خطورات قلبی اعم از خطور ربانی و خطور شیطانی بالاخره از حضرت واجب الوجود است: «قل کل من عند الله» چنانکه صریح دعاء صباح ابوالانعمه امیرالمؤمنین علیهم السلام است که عرض میکند:

«يا مَنْ قُرِبَ مِنْ حَقَرَاتِ الظُّنُونِ، وَتَعَدَّ عَنْ لَحَظَاتِ الْعُيُونِ، وَعَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونُ»: ای آنکه همه خطورها در حوزه پندارها نزدیکی نه نزدیکی مکانی که نزدیکی قیومی - و مشزه از دیدار دیدگانی، و بهر موجودی قبل از تکونش در دایره هستی، دانائی.

وَقَدْ دَرَّ الْقَاتِلُ:

ای خدا از برای زسومرهم زسو هم دعا از تو اجابت هم زسو و:

از تست هم انتظار هم بذل مراد از تست غم غمزه و شادی شاد هر جا که درست بسته یا بگشاده جز قدرت کاملت نیست و نگشاد علی ای حال، عزت مضمومین علیهم السلام که ابواب معرفه الله اند و حدیث: «لولا هم ما عرف الله» که در اصول کافی آمده کافی در این باب است؛ چگونه میشود که در دعاء و اظهار نیاز، با الحاح و اصرار از خداوند متعال سمیع بخواهند که دعاء آنان را بشنود؟ در صورتی که خود آن خزائن علم الله تعالی با بیان، «والسمع ذاته ولا مسموع» و «يعلم عجيب الوحوش في الفلوات... واختلاف التبان في البحار الغامرات...» بما معنای سمع واجب الوجود را آموختند و قرب قیومی حضرت حق سبحانه و تعالی را بخواطر ظنون، و بخواندن سینه های سوزان، آویزه گوشمان در صباح و مساء فرمودند و آنان صراط اقوم در معرفه اسماء و صفات علیای الهی می باشند؟

گمان میکنم آنچه که در مقاله پیشین در حقیقت دعاء گفتیم و

بقیه در صفحه ۵۵

خواه ناخواه تاثیر خود را دارد و آینده فرزندان را تباه می کند. و خیلی سعی و کوشش لازم است تا بتواند این کودک دیروز و جوان امروز برآن عوامل غلبه کند و خود را از گناه دور نماید. انقلابی لازم است تا چنان جامعه ای را که افرادش از کودکی آلوده به مشروبات الکلی شده اند تبدیل به مؤمنانی صالح و شایسته کند که در راه خدا آماده فداکاری و شهادت باشند. حقا بزرگترین ستم است اگر کسی نعمت این انقلاب را شکر نگردد بلکه به آن کفران بپورزد و ارزش آن را انکار کند. انقلابی که چنین تحولی عظیم نه تنها در جامعه ایران بلکه در کل جهان به وجود آورده. جوانانی که از کودکی در محیطی فاسد و آلوده بوده اند و با لغمه های صد درصد حرام نشو و نما یافته اند. تبلیغات مسموم با آوازه های کرکننده از یک سو، زرق و برق فریبنده تمدن غرب از سوی دیگر و غرائز سرکش هم از جانبی دیگر با آن زمینه آماده که از محیط فاسدخانه به دست آمده

است دبری نمی باید که دروازه تمدن از توحش بدتر در این سرزمینهای اسلامی بروی همه جوانان حتی خانواده های مذهبی باز می شد و از اسلام فقط اثری در تاریخ باقی می ماند. کسی که معجزه این انقلاب را انکار کند مانند کسانی است که معجزات رسول خدا صلی الله علیه وآله و سایر پیامبران الهی را انکار می نمودند.

حمد خدای را که این گونه محیط را برای تربیت نسل آینده مساعد نمود. ولی باید توجه داشت که در چنین شرایطی مسئولیتها از هر جهت سنگینتر است و یکی از آن مسئولیتها همین تربیت فرزندان است. باید در چنین شرایطی بهترین محیط خانوادگی برای تربیت نسل آینده فراهم نمود. و این وظیفه پدران و مسئولان تربیتی و رهبران جامعه است. امیدواریم خداوند توفیق ادای این مسئولیت عظیم را به همه عطا بفرماید.

بقیه از دعای مسموع یا...

«اسمع دعائی» - دعایم را مسموع گردان، ارزشمندترین خواستنی ها را از خداوند متعال می خواهد و مدلول عرضش این است: خدایا دعایم را دعاء حقیقی ای که زیاده برخاسته از فطرت «الله» است قرار ده که مورد اجابت و مسموع حضرت می باشد، چه القاء چنین انگیزی در سینه ام و خود سینه آتش افروز و دل سوزناک چنگلی از حضرت نشأت می گیرد، زیرا این تویی که: هر که را خواهی زغم خسته کنی راه زاری بردنش بسته کنی و آنکه خواهی از سلبش واخری جان او را در تصرف آوری خدایا همانگونه که دعاء شهداء حریم کعبه ذیحجه امسال که در قنوت نماز عید فطر امسال بدرگاهت نمودند: «أَذِلَّتِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَذِلَّتْ فِيهِ مُخْتَمِدًا وَالْأَلْمُحْتَمِدِ» خدایا بما منت گذار کربلای دیگری در حریم کعبه ایجاد کنیم به بهترین وجهی اجابت فرمودی و جوار کعبه را کربلای آنان نمودی و این سعود که یک «واو» بر ابن سعد اضافه دارد، ابن سعد این کربلا فرمودی، ای خدا: «اسمع دعائی» ادامه دارد

آنچه که در مقاله حاضر عرضه شد، می توان پاسخ این سؤال را استنباط نمود به این بیان:

دعاء مسموع یعنی دعاء مورد اجابت، آن دعائی بوده که زبان مقال و زبان فطرت و حال با هم متحد و هماهنگ باشند، بلکه دعاء حقیقی همان خواست فطرت است که قرآن کریم اعلام میدارد: «وَأَنَّا كُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعَدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا»، (سوره بقره آیه ۳۱):

«این همه نعمتهای بیرون از شمار را که خواستار شدید همه را بشمارا موهبت فرمودند».

و: «سَأَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (سوره الرحمن آیه ۲۱)، اعلان میکنند که نه فقط بنی آدم، نعمتهای بی شمار را خواستار شدند بلکه همه موجودات فراز و نشیب دائماً در دعا و نیایش و عرض حاجتند. و بنابراین دعا کننده در مورد بحث که عرض میکنند:

• امام صادق علیه السلام:

«عَا مِنْ مَوْثِنِ يَمُوتُ فِي غَرْبِهِ مِنَ الْأَرْضِ فَيُغِيبُ عَنْهُ بَوَاكِيهِ الْأَبْكَةِ بِقَاعِ الْأَرْضِ الَّتِي كَانَ بَعْدَ اللَّهِ عَلَيْهَا... بَكْتَهُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ الَّتِي كَانَ يَصْعَدُ بِهَا عَمَلُهُ وَبَكَاهُ الْمَلَائِكَةُ الْمُوَكَّلَاتُ بِهِ».

(بحار، جلد ۶۱ - ص ۶۷)

هیچ انسان مؤمنی در غربت از دنیا نرود جز اینکه قطعه زمین هائی که خدا را بر روی آن عبادت و نیایش می نموده است و درهای آسمانی که اعمال او از آنجا بالا می رفته و فرشتگان گماشته بر او، بروی بگریند.